

# ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتون

## Psychometric Properties of the Persian Version of Washington University Sentences Completion Test (WUSCT)

Ashraf Sadat Mousavi  
PhD in Psychology

Parviz Azad Fallah, PhD  
Tarbiat Modares University

پرویز آزاد فلاح  
دانشیار  
دانشگاه تربیت مدرس

اشرف‌سادات موسوی  
دکتری روان‌شناسی

Mohsen Dehghani, PhD  
Shahid Beheshti University

Hojatolah Farahani, PhD  
Islamic Azad University Medical  
Branch of Tehran

حجت‌الله فراهانی  
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد علوم پزشکی تهران

محسن دهقانی  
دانشیار  
دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

هدف این پژوهش سنجش شاخص‌های روان‌سنجی، شامل روایی و اعتبار و ساختار عاملی نسخه فارسی آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتون، برای ارزیابی تحول من بود. به روش نمونه‌برداری دردسترس از رشته‌های تحصیلی مختلف (فنی، علوم پایه و علوم انسانی) دانشگاه تهران ۲۸۹ دانشجو (۱۴۶ مرد، ۱۴۳ زن) آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتون (های و لووینگر، ۱۹۹۶) را تکمیل کردند و سطح تحول‌یافتگی من آن‌ها ارزیابی شد. برای بررسی روایی واگرا نیز مقیاس خودتخریب‌گری مزمن (کلی و دیگران، ۱۹۸۵) و زیرمقیاس گناه از پرسشنامه احساسات شخصی (هاردنر و زالما، ۱۹۹۰) به کار رفت. یافته‌ها نشان داد که آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتون همسانی درونی مناسب (۰/۱۱۸ تا ۰/۳۲۶) دارد. مقدار آلفا و اعتبار بازآزمایی دو هفته‌ای آن هم به ترتیب ۰/۷۸۱ و ۰/۸۷۶ به دست آمد. همبستگی منفی و معنادار آزمون با خودتخریب‌گری نشان‌دهنده روایی واگرای آزمون و توانایی تفکیک دو گروه با سطح تحول بالای من و پایین احساس گناه و خودتخریب‌گری نشان‌دهنده روایی تفکیکی آزمون بود. تحلیل عاملی اکتشافی ساختار تک‌بعدی آزمون را نشان می‌داد. نسخه فارسی آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتون برای اندازه‌گیری سطح تحول‌یافتگی من روایی و اعتبار مناسب دارد.

**واژه‌های کلیدی:** آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتون، تحول من، روایی، اعتبار

### Abstract

This study aimed to investigate the psychometric properties (validity, reliability and factorial structure) of the Persian version of the Washington University Sentences Completion Test (WUSCT; Hy & Loewinger 1996) for evaluating ego development. Two hundred and eighty nine undergraduate students (143 females, 146 males) were selected from different disciplines of Tehran University using convenience sampling. The guilt subscale of the Personal Feeling Questionnaire (Harder & Zalma, 1990) and the Chronic Self-Destructiveness Scale (Kelley, et al., 1985) were used for studying divergent validity. The results indicated that the WUSCT had appropriate internal consistency (ranged from 0/118 to 0/326). The Cronbach  $\alpha$  and 2-weeks test-retest reliability were .781 and .876, respectively. The negative correlation of the WUSCT with self-destructiveness demonstrated the divergent validity of the WUSCT. The WUSCT could discriminate the group with high ego development from the group with low guilt and self-destructiveness which indicated the discriminant validity of the WUSCT. The factorial analyses indicated that the WUSCT was unidimensional. The findings suggest that the Persian version of the WUSCT is a valid and reliable tool for assessing ego development.

**Keywords:** Washington University Sentences Completion Test, ego development, validity, reliability

received: 24 March 2016

accepted: 25 July 2016

دریافت: ۹۵/۱/۵

پذیرش: ۹۵/۵/۴

Contact information: azadfa\_p@modares.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس است.

**مقدمه**

در زمینه تحول بزرگسالان دو دسته نظریه وجود دارد: نظریه‌های دوره زندگی<sup>۱</sup> و نظریه‌های مرحله‌ای تحولی<sup>۲</sup>. هر دو دسته نظریه زنجیره‌های غیرمتغیری از تحول را توصیف می‌کنند. تفاوت عمده این است که نظریه دوره زندگی بر این فرض استوار است که مراحل نمویافته<sup>۳</sup> و اصولاً وابسته به سن هستند؛ درحالی‌که نظریه‌های مرحله‌ای تحولی سلسله‌مراتبی<sup>۴</sup> هستند، ولی لزوماً وابسته به سن نیستند. از دسته اول نظریه تحول روانی-اجتماعی اریکسون<sup>۵</sup> و از دسته دوم نظریه تحول من لووینگر<sup>۶</sup> را می‌توان نام برد (لنتی، ۱۹۸۹).

در طول سال‌ها بسیاری از روان‌شناسان در خصوص چگونگی تحول بلوغ روان‌شناختی صحبت کرده‌اند. استینبرگ<sup>۷</sup> و کافمن<sup>۸</sup> (۱۹۹۶ نقل از ازینگا، ۲۰۰۸) تحول بلوغ روان‌شناختی را در چهار حوزه مقوله‌بندی کرده‌اند: ۱. توانایی مهار برانگیختگی‌ها و هیجان‌ها، ۲. حرکت به سوی استقلال عمل، ۳. افزایش ظرفیت همدردی<sup>۹</sup> و همدلی<sup>۱۰</sup> با دیگران و درک عقاید متفاوت دیگران، ۴. احساس فزاینده مسئولیت در قبال خود و دیگران. لووینگر از ساختاری با عنوان «من» برای توصیف تحول طی گستره زندگی استفاده کرده است. طرح نظریه تحول من لووینگر روی آورد بسیار مهمی در مطالعات تحول شخصیت به وجود آورد (لووینگر، ۱۹۷۶)؛ از یک سو در نظریه‌های شخصیت به موضوع تحول توجه چندانی نشده است و از سوی دیگر در نظریه‌های تحولی تفاوت‌های فردی را در نظر نگرفته‌اند. لووینگر، با کار روی تحول من، این فاصله را پر کرده است (وستنبرگ<sup>۱۱</sup>، بلسی<sup>۱۲</sup> و کوهن<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۸ نقل از گو، ۲۰۰۵). این نظریه پلی میان مفاهیم شناختی و روان‌تحلیل‌گری تحول است (ویدنویک و آندلکویک، ۲۰۰۶).

لووینگر «من» را، به عنوان چهارچوب ارجاع منسجم، مفهوم‌سازی می‌کند که زیربنای همه افکار و اعمال ماست؛ تحول من همان فرایند کسب بلوغ روان‌شناختی است. تحول

من، به عنوان رگه اصلی<sup>۱۴</sup>، تغییراتی را در چهار حوزه مهار برانگیختگی<sup>۱۵</sup> و تحول منش<sup>۱۶</sup>، روابط بین‌فردی<sup>۱۷</sup>، اشتغال ذهنی، هشیار<sup>۱۸</sup> و سبک شناختی<sup>۱۹</sup> شامل می‌شود (بارسیک و مارتین، ۲۰۰۶). بنابراین جست‌وجوی معنای منسجم در تجارب، اساس «من» یا «کنش من» است، نه اینکه «من» کنشی بین دیگر کنش‌ها باشد (های و لووینگر، ۱۹۹۶). به بیان دیگر برخلاف روان‌تحلیل‌گری، من برای لووینگر صرفاً مجموعه‌ای از کنش‌ها یا کشاننده‌های غریزی نیست، بلکه فرایند چگونه ترکیب شدن این کنش‌ها با یکدیگر است (گو، ۲۰۰۵).

«من» پایداری، هویت و انسجام خود را با بیرون راندن انتخابی مشاهدات ناهماهنگ با حالت کنونی خود حفظ می‌کند، چرا که انسجام هر فرد، ممکن است برای دیگری بی‌معنا<sup>۲۰</sup> باشد. این فرض، اساس نظری برای استفاده از روش‌های فرافکن و از جمله آزمون تکمیل جملات برای سنجش تحول من است. در روش‌های فرافکن از آزمودنی می‌خواهند چهارچوب ارجاعش را بر مواد آزمون فرافکنی کند. برعکس در آزمون‌های عینی، پاسخ‌های آزمودنی در چهارچوب ارجاع دستورالعمل آزمون محدود می‌شود (های و لووینگر، ۱۹۹۶). در ادامه مراحل هشت‌گانه تحول من از نظر لووینگر به طور مختصر بیان می‌شود.

از گرایش‌های اولیه نوزاد تازه‌متولد شده این است که دنیای پایداری از موضوعها<sup>۲۱</sup> را برای خودش شکل دهد. ساخت دنیای موضوعها و دنیای خود همبسته هستند (لووینگر، ۱۹۷۶). من با تمایز خود از دیگران شروع می‌کند، ولی در ابتدا این توانایی را ندارد. نخستین مرحله راه، که پیش‌اجتماعی<sup>۲۲</sup> نامیده می‌شود، فراتر از مرحله نظری در نظر می‌گیرند (گو، ۲۰۰۵). این مرحله را نمی‌توان با استفاده از آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتون<sup>۲۳</sup> اندازه گرفت، زیرا پیش‌کلامی<sup>۲۴</sup> است. در این سطح همزیستی<sup>۲۵</sup> یا موضع پیش‌اجتماعی من بر کامرواسازی نیازهای فوری‌اش متمرکز و بسیار به مادرش

1. life phase theories
2. developmental stage theories
3. maturational
4. hierarchical
5. Erikson, E.H.
6. Loevinger's ego development theory
7. Steinberg, L.
8. Cauffman, E.
9. sympathise

10. empathise
11. Westenberg, P.
12. Blasi, A.
13. Cohn, L.
14. master trait
15. impulse control
16. character development
17. interpersonal relations
18. conscious preoccupations

19. cognitive style
20. gibberish
21. objects
22. presocial
23. Washington University Sentences Completion Test (WUSCT)
24. pre-verbal
25. symbiotic

وابسته است (ازینگا، ۲۰۰۸).

پایین‌ترین مرحله‌ای که با استفاده از این آزمون قابل اندازه‌گیری است، مرحله برانگیختگی<sup>۱</sup> است. کودک در این مرحله مخلوق نیازهای جسمانی و برانگیختگی‌هاست و برای مهار به دیگران وابسته است. دیگران با اصطلاحات ساده دوقوله‌ای (خوب و بد/ تمیز و کثیف) فهمیده می‌شوند. درک اندکی از علیت وجود دارد. تنبیه دل‌بخواهانه و تلافی‌جویانه است و درک از قوانین ناچیز است. به دلیل ناتوانی در مفهوم‌سازی دنیای درونی، کودک نمی‌تواند کسالت جسمی و هیجانی را از هم تمیز دهد (های و لووینگر، ۱۹۹۶).

مرحله خودحمایتی<sup>۲</sup>، نخستین مرحله به سمت مهار برانگیختگی‌ها و بنابراین نخستین قدم برای تحول منش است و هنگامی آغاز می‌شود که کودک بتواند ارضای فوری نیاز را به تأخیر بیندازد. کودکان مخلوق لذت‌گرایی موقعیتی هستند و هدف‌ها و آرمان‌های بلندمدت ندارند. خواهان کامرواسازی بالادرنگ<sup>۳</sup> هستند و اگر بتوانند دیگران را برای رسیدن به خواسته‌هایشان استثمار می‌کنند. سرزنش فهمیده می‌شود، ولی متوجه دیگران، موقعیت‌ها و گاهی هم بخشی از خودشان (برای مثال، چشم‌هایم) است، زیرا احساس مسئولیت نمی‌کنند. در کودکانی که این مرحله را به موقع پشت سر می‌گذارند، تشریفات و سنت‌ها برجسته می‌شود (لووینگر، ۱۹۷۹).

در تحول بهنجار، کودک در سنین مدرسه از مرحله خودحمایتی خودمیان‌بینانه<sup>۴</sup> به مرحله همنوایی<sup>۵</sup> متمرکز بر گروه<sup>۶</sup> وارد می‌شود. در این مرحله، کودک با گروه یا چهره‌های صاحب اقتدار<sup>۷</sup> (والدین، معلمان یا همسالان) همسان‌سازی می‌کند. قوانین صرفاً به این دلیل پذیرفته می‌شود که قانون هستند. پیچیدگی شناختی وجود ندارد، به بیان دیگر فقط یک راه درست و یک راه غلط وجود دارد؛ آن چیزی درست است که به لحاظ سنتی و اجتماعی تأیید می‌شود و معمولاً با نقش‌های جنسی سنتی مطابقت دارد. دوستی و خوبی بسیار باارزش است و تأیید/عدم تأیید دیگران، برای فرد بسیار مهم است. اشتغال ذهنی فرد در این مرحله، ظاهر، مادیات، شهرت و پذیرش و تعلق اجتماعی است. این مرحله، مرحله بیان ساده حالت‌های درونی است، در

مراحل قبل بیان جسمی حالت‌های درونی (مریض، آشفته<sup>۸</sup>، دیوانه<sup>۹</sup>، هیجان‌زده) وجود داشت، و زندگی درونی تمایز یافته غنی مربوط به مراحل بالاتر است. بین آنچه مردم هستند و آنچه باید باشند، تمایز جدی وجود ندارد. توصیف افراد و خود شخص در این مرحله، بر پایه پذیرش اجتماعی درون‌گروهی<sup>۱۰</sup> است. تعامل‌های بین‌فردی، بر پایه کنش‌ها و نه احساسات، دیده می‌شود (لووینگر، ۱۹۷۶).

فرد در مرحله خودآگاهی<sup>۱۱</sup>، به هر شکل، از این امر آگاه می‌شود که هیچ‌کس، از جمله خودش، نمی‌تواند در همه زمان‌ها به طور کامل با ویژگی‌هایی هم‌نوا شود که تصورات قالبی طلب می‌کند. در نتیجه توانایی مفهوم‌سازی گسترده زندگی درونی، روابط بین‌فردی صرفاً بر پایه کنش‌ها توصیف نمی‌شود، بلکه احساسات هم به آن اضافه می‌شود. در بسیاری از افراد در این مرحله، احساس شدید تمایز میان خود و گروه وجود دارد و حالت‌های هیجانی مانند هشیاری به خود<sup>۱۲</sup> و تنهایی<sup>۱۳</sup> توصیف می‌شود. در این مرحله شخص متوجه می‌شود که در بسیاری از موقعیت‌ها، احتمالات جایگزینی وجود دارد، که در مرحله همنوایی، با حالت‌ها یا قوانین مطلق، پوشانده شده بود. چنین اصلاحی در قوانین مطلق، درباره هر چیزی، از آداب جنسی تا شاغل بودن زنان اتفاق می‌افتد (های و لووینگر، ۱۹۹۶).

تا زمانی که جریمه مربوط به جرم از خارج از فرد می‌آید، امکان گریز از جریمه برای فرد وجود دارد، اما در صورت داشتن وجدان سختگیر، تنبیه گریزناپذیر می‌شود. علامت متمایز مرحله وجدانی<sup>۱۴</sup>، استانداردهای خودارزیابی<sup>۱۵</sup> است: دلیل تأیید یا تکذیب سازه معین، خود فرد و آن چیزی است که او به طور شخصی احساس می‌کند، نه ارزیابی خانواده یا همکلاسی یا مراجع قدرت. البته چون بسیاری از افراد در این مرحله به‌گونه‌ای سازگار و هم‌نوا با قوانین روزمره عمل می‌کنند، تفاوت این مرحله با مراحل همنوایی و خودآگاهی در رفتار نیست. در این مرحله، شخص از اینکه قانونی را زیر پا گذاشته است احساس گناه نمی‌کند، بلکه وقتی احساس گناه می‌کند که به شخص دیگری صدمه می‌زند. انگیزه‌ها و پیامدها از خود قوانین مهم‌تر هستند و «باید» از «هست» متمایز شده

- |                            |                   |                        |                              |
|----------------------------|-------------------|------------------------|------------------------------|
| 1. impulsive stage         | 5. conformist     | 9. mad                 | 13. loneliness               |
| 2. self-protective         | 6. group-centered | 10. in-group           | 14. conscientious            |
| 3. immediate gratification | 7. authority      | 11. self-aware         | 15. self-evaluated standards |
| 4. egocentric              | 8. upset          | 12. self-consciousness |                              |

می‌شود، بنابراین پذیرفته می‌شود که این تعارض‌ها کاملاً قابل حل نیستند و تحمل زیادی برای ابهام و تشخیص تضادها<sup>۳</sup> وجود دارد. در مرحله وجدانی تلاش فرد برای پیشرفت به تلاش برای خودشکوفایی<sup>۴</sup> تبدیل می‌شود (لووینگر، ۱۹۷۶).

معدودی از افراد، احتمالاً کمتر از یک درصد جمعیت شهری در ایالات متحده، به بالاترین مرحله، یعنی مرحله توحید یافتگی<sup>۵</sup> می‌رسند. بر اساس داده‌های کنونی نمی‌توان این بالاترین مرحله را به طور کامل توصیف کرد. به نظر می‌رسد مازلو<sup>۶</sup> بهترین توصیف از فرد خودشکوفای<sup>۷</sup> را مطرح کرده است. از آنجا که این مرحله در بیشتر نمونه‌ها کمیاب است و تفاوت‌های عمده میان ارزیابان باتجربه هم در توصیف این مرحله و هم در کاربرد توصیف‌ها برای موارد خاص وجود دارد، در بیشتر موارد بهتر است این مرحله با مرحله استقلال عمل تلفیق شود (های و لووینگر، ۱۹۹۶).

نخست لووینگر در سال ۱۹۷۰ مقیاس تحول یافتگی من را با عنوان آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتون معرفی کرد و سپس در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۶ مورد تجدید نظر قرار گرفت (منرز و دورکین، ۲۰۰۱). بعدها بر پایه این آزمون، اندازه‌های تحولی<sup>۸</sup> دیگر مانند نیمرخ بزرگسال بالغ کوک-گریتر<sup>۹</sup> (MAP)، نیمرخ تحولی رهبری هارتیل<sup>۱۰</sup> (LDP) و نیمرخ رهبری عمومی تاربرت/هردمن-بارکر<sup>۱۱</sup> (GLP) ساخته شد (تربرت، ۲۰۱۴). این آزمون در ایران در چند پژوهش به کار رفته است، برای مثال تقی‌یاره (۱۳۸۲) از این آزمون برای بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی استفاده کرد. همچنین ارسلان‌ده (۱۳۹۲) با استفاده از این آزمون، رابطه تحول یافتگی من و مکانیزم‌های دفاعی را در افراد زودانگیخته بررسی کرد. ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه انگلیسی در پژوهش‌های مختلف (توربرت و لیون-تاراندخ، ۲۰۰۹؛ لار و مینینگ، ۱۹۷۸) بررسی شده، اما تا به حال ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی این آزمون به طور جداگانه بررسی نشده است. علاوه بر این، بررسی‌ها نشان داد که برای سنجش چنین سازه‌ای آزمون مناسب به زبان فارسی وجود ندارد. از مقیاس‌های نزدیک به این حوزه، مقیاس استحکام من (بشارت،

است. حالت‌های درونی و تفاوت‌های فردی، با اصطلاحات متمایز و روشن توصیف می‌شوند و ایده‌آل‌ها و هدف‌های بلندمدت ویژگی این مرحله است. افراد در این مرحله، بیشتر از افراد مراحل پایین‌تر، ماورای نگرانی‌های شخصی، به اجتماع فکر می‌کنند (لووینگر، ۱۹۷۹).

فرد مرحله وجدانی احساس روشنی درباره تفاوت‌های فردی دارد، در صورتی که فرد مرحله فردیت‌گرایی<sup>۱</sup>، نسبت به شخصیت یا سبک زندگی‌اش احساس فردیت‌گرایی دارد. در این مرحله، تحمل بالایی نسبت به تفاوت‌های فردی وجود دارد و معمولاً خود درونی و بیرونی متمایز از یکدیگرند. اگرچه نگرانی درباره مشکلات استقلال/عدم استقلال، مکرر به چشم می‌خورد، در این مرحله، فرد میان وابستگی هیجانی، مالی و جسمی تمایز می‌گذارد و نگرانی ویژه‌ای در مورد وابستگی هیجانی دارد. روابط با دیگر افراد که همزمان با گذر از مرحله هم‌نواپی به وجدانی، عمیق‌تر و شدیدتر می‌شود تا حدی در تضاد با تلاش برای پیشرفت، و گاهی اوقات به صورت اخلاق‌گرایی و مسئولیت افراطی برای دیگران در نظر گرفته می‌شود. عناصر جدید دیگری نیز در مرحله فردیت‌گرایی وجود دارد که در مرحله بعدی بیشتر تحول می‌یابد، از جمله علیت روان‌شناختی و تحول روان‌شناختی (های و لووینگر، ۱۹۹۶).

استقلال عمل<sup>۲</sup> نیازی است که در سراسر زندگی به شکل‌های مختلف بروز می‌کند. اریکسون از اصطلاح استقلال عمل برای مرحله‌ای استفاده کرده است که در اینجا با عنوان خودحمایت‌گری مطرح شد. در اینجا اصطلاح استقلال عمل را برای مرحله‌ای در انتهای مقیاس به کار می‌بریم که ویژگی اصلی آن تشخیص نیاز دیگر افراد برای استقلال عمل است. همچنین نوعی حس‌رهایی از تلاش افراطی و مسئولیت بیش‌ازاندازه (ویژگی خاص مرحله وجدانی) وجود دارد. دوم‌قولگی اخلاقی مانند قبل بارز نیست و با احساس چندوجهی و پیچیده درباره مردم و موقعیت‌های واقعی جایگزین می‌شود. احترام عمیق به مردم دیگر و نیاز آن‌ها به پیدا کردن راه خودشان و حتی اشتباه کردن‌هایشان وجود دارد. تعارض بین نیازها و آرزوها تشخیص داده و اغلب به عنوان بخشی از شرایط انسان پذیرفته

1. individualistic  
2. autonomous  
3. paradoxes  
4. self-fulfillment

5. integrated stage  
6. Maslow, A.  
7. self-actualizing  
8. development measures

9. Cook-Greuter Mature Adult Profile  
10. Harthill Leadership Development Profile  
11. Torbert/Herdman-Barker Global Leadership Profile

### آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتن (WUSCT):

های و لووینگر، ۱۹۹۶). این آزمون را ابتدا در سال ۱۹۷۰ لووینگر معرفی کرد و سپس در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۶ مورد تجدیدنظر قرار گرفت (منرز و دورکین، ۲۰۰۱). نسخه تنظیم‌شده در سال ۱۹۹۶ شامل ۳۶ ماده به صورت جملاتی است که از آزمودنی خواسته می‌شود با نخستین کلماتی که به ذهنش می‌رسد، آن‌ها را کامل کند. می‌توان از ۱۸ ماده نخست، به عنوان فرم کوتاه آزمون استفاده کرد. هر یک از ماده‌ها بر مبنای دستورالعمل مشخص (های و لووینگر، ۱۹۹۶) کدگذاری و سپس نمره کلی محاسبه می‌شود. برای محاسبه نمره کلی، رایج‌ترین شیوه روان‌سنجی، استفاده از مجموع یا میانگین نمره‌های ماده‌هاست. نمره به‌دست‌آمده در این شیوه، با نمره نخستین عامل در تحلیل عاملی مؤلفه اصلی چرخش‌نیافته، به طور کامل همبسته است. استفاده از بیشترین نمره‌ای که فرد گرفته است، همچنین در نظر گرفتن طبقه‌ای که بیشترین فراوانی را دارد، از دیگر روش‌های دستیابی به نمره کلی است (های و لووینگر، ۱۹۹۶). پاسخ‌گویی به این آزمون ۱۰ تا ۳۰ دقیقه طول می‌کشد و می‌توان آن را به صورت فردی یا گروهی اجرا کرد. پاسخ‌های آزمودنی روی یک مقیاس هشت‌درجه‌ای از تحول‌یافتگی من دسته‌بندی می‌شود: تکانشی، خودحمایتی، همنوایی، خودآگاهی، وجدانی، فردیت‌گرایی، استقلال عمل و توحید‌یافتگی.

**مقیاس خودتخریب‌گری مزمن<sup>۸</sup> (CSDS):** کلی و دیگران، ۱۹۸۵). این مقیاس برای ارزیابی الگوها و تمایلات خودتخریب‌گرانه به کار می‌رود و ۷۳ ماده دارد که به آن روی مقیاس لیکرت از ۵ (کاملاً در مورد من صدق می‌کند) تا صفر (اصلاً در مورد من صدق نمی‌کند) پاسخ داده می‌شود. برخی از ماده‌ها مختص زنان و برخی دیگر مختص مردان و تعدادی از ماده‌ها نیز بین دو جنس مشترک است. در مقیاس اولیه، محتوای ماده‌ها شامل چهار حوزه مسامحه<sup>۹</sup>، مراقبت ضعیف بهداشتی<sup>۱۰</sup>، شواهدی از تخلف<sup>۱۱</sup> و نبود برنامه‌ریزی<sup>۱۲</sup> است. در نسخه اولیه، با تحلیل همسانی درونی ماده‌ها، دو سنج ۵۲ ماده‌ای از

۱۳۸۶ نقل از بشارت، اسدی و تولاتیان، ۱۳۹۴) است که برای اندازه‌گیری میزان توانمندی من در مهار و مدیریت موقعیت‌ها و شرایط دشوار زندگی ساخته شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این مقیاس به تمامی ابعاد تحول من نمی‌پردازد. از سوی دیگر با توجه به بنیادین بودن این سازه، استفاده از آن در پژوهش‌هایی با موضوع‌های مختلف امکان‌پذیر است، برای مثال نشان داده شده که سطوح بالای تحول من با اعمال خلاف کمتر (هادی‌نژاد، ۱۳۸۶) و آسیب‌شناسی کمتر (هارتمن و زیمربراف، ۲۰۰۸) همراه است. بنابراین با توجه به اهمیت سازه بنیادین سطح تحول من، هدف این پژوهش، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون برای به‌کارگیری در نمونه ایرانی بود.

### روش

برای نمونه‌برداری این پژوهش دانشگاه تهران به عنوان دانشگاه جامع انتخاب و از میان دانشکده‌های علوم پایه، فنی، ادبیات و علوم انسانی و حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه به صورت دردسترس نمونه‌برداری شد. پس از حذف پرسشنامه‌های مخدوش، ۲۸۹ پرسشنامه وارد تحلیل شد. از این تعداد ۱۴۳ پرسشنامه مربوط به زنان و ۱۴۶ پرسشنامه مربوط به مردان بود. از این پرسشنامه‌ها برای بررسی ساختار عاملی، آلفای کرونباخ، همسانی درونی و روایی واگرا و تفکیکی استفاده شد. میانگین (و انحراف استاندارد) سن مردان و زنان به ترتیب ۱۹/۵۶ (۱/۴۵) و ۲۰/۰۹ (۱/۳۷) سال بود. دیگر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه در جدول ۱ آمده است. گفتنی است ابتدا به اختلال روان‌پزشکی با یک سؤال در بخش جمعیت‌شناختی پرسشنامه سنجیده شد؛ آیا تا به حال با مراجعه به روان‌پزشک یا روان‌شناس تشخیص اختلال گرفته‌اید؟ اگر بلی، لطفاً نام آن را ذکر کنید. در پاسخ به این سؤال ۱۱ نفر به تشخیص‌های افسردگی، وسواس، اضطراب و سرطان‌هراسی اشاره کردند. در پاسخ به این پرسش که آیا از داروی روان‌پزشکی استفاده کرده یا می‌کنید، نیز داروهای سیتالوپرام<sup>۱</sup>، نورتریتیلین<sup>۲</sup>، سرتالین<sup>۳</sup>، کلردیازپوکساید<sup>۴</sup>، فلوکسامین<sup>۵</sup>، آلپرازولام<sup>۶</sup> و ریسپریدون<sup>۷</sup> نام برده شد. برای گردآوری داده‌ها ابزارهای زیر به کار رفت:

1. citalopram	4. chlordiazepoxide	7. risperidone	10. poor health maintenance
2. nortriptyline	5. fluvoxamine	8. Chronic Self-Destructiveness Scale	11. evidence of transgressions
3. sertraline	6. alprazolam	9. carelessness	12. lack of planfulness

و تخدیرطلبی<sup>۳</sup> را در مردان و سه عامل مسامحه و مخاطره‌جویی، بی‌نظمی<sup>۴</sup> و عدم مراقبت و برنامه‌ریزی<sup>۵</sup> را در زنان به دست داد. چهار عامل مقیاس مردان ۵۰/۴۸۵ درصد و سه عامل مقیاس زنان ۴۵/۴۰۵ درصد واریانس کل را تبیین کردند. روایی و همسانی درونی مقیاس بالا گزارش شده است (موسوی، آزادفلاح، فراهانی و دهقانی، ۱۳۹۴).

خودتخریب‌گری مزمن برای هر جنس به دست آمد. اعتبار به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۷-۰/۷۳ و ضریب اعتبار بازآزمایی یک‌ماهه ۰/۹۸-۰/۹۰ گزارش شده است (کلی و دیگران، ۱۹۸۵). آلفای کرونباخ دو بخش مردان و زنان در نسخه فارسی به ترتیب ۰/۸۴۹ و ۰/۸۴۵ است. تحلیل عاملی نیز چهار عامل بی‌خیالی و عدم تقلید<sup>۶</sup>، مسامحه، مخاطره‌جویی<sup>۲</sup>

جدول ۱

فراوانی و درصد فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به تفکیک جنس

مردان	زنان		
۱۴۶ (۵۰/۵)	۱۴۳ (۴۹/۵)	جنس	
۱۴۳ (۹۷/۹)	۱۳۹ (۹۷/۲)	مجرد	
۲ (۱/۴)	۴ (۲/۸)	متاهل	وضعیت تأهل
۱ (۰/۷)	-	بی‌پاسخ	
۸۵ (۵۸/۲)	۴۸ (۳۳/۶)	اول	
۲۶ (۱۷/۸)	۲۴ (۱۶/۸)	دوم	
۲۲ (۱۵/۱)	۳۲ (۲۲/۴)	سوم	سال تحصیلی
۱۱ (۷/۵)	۳۹ (۲۷/۳)	چهارم	
۲ (۱/۴)	-	بی‌پاسخ	
۳۴ (۲۳/۲)	۷۸ (۵۴/۶)	علوم پایه	
۳۸ (۲۶/۰)	۴۵ (۳۱/۵)	علوم انسانی	رشته تحصیلی
۷۴ (۵۰/۶)	۲۰ (۱۳/۹)	فنی- مهندسی	
۵ (۳/۴)	۶ (۴/۲)	بله	
۱۴۰ (۹۵/۹)	۱۳۷ (۹۵/۸)	خیر	ابتلا به اختلال روان‌پزشکی
۱ (۰/۷)	-	بی‌پاسخ	
۵ (۳/۴)	۸ (۵/۶)	بله	
۱۴۰ (۹۵/۹)	۱۳۵ (۹۴/۴)	خیر	مصرف داروی روان‌پزشکی
۱ (۰/۷)	-	بی‌پاسخ	

۱۹۹۳). آلفای کرونباخ دو زیرمقیاس شرم و گناه در پژوهشی در افراد سالم فارسی‌زبان به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۶۲ به دست آمد (موسوی، ۱۳۸۴). در پژوهشی دیگر، آلفای کرونباخ نسخه فارسی آن برای دو زیرمقیاس شرم و گناه به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۶۲ گزارش شده است (موسوی، قربانی و قاضی طباطبایی، ۱۳۹۳). در این پژوهش فقط زیرمقیاس گناه به کار رفت.

تحلیل داده‌ها با روش همبستگی پیرسون، اسپیرمن و آزمون t مستقل انجام شد. از همبستگی پیرسون برای بررسی میزان همبستگی میان نمره مقیاس‌ها با یکدیگر و در دوبار بازآزمایی و

پرسشنامه احساسات شخصی<sup>۶</sup> (PFQ؛ هارد و زالما، ۱۹۹۰). در این پرسشنامه که دارای دو زیرمقیاس شرم<sup>۷</sup> و گناه<sup>۸</sup> است، ۲۲ احساس و حالت مختلف نام برده شده، که پاسخ‌دهنده روی یک پیوستار پنج‌درجه‌ای به آن‌ها پاسخ می‌دهد. اعتبار بازآزمایی آن در مورد زیرمقیاس شرم ۰/۹۳ و در مورد گناه ۰/۸۵ گزارش شده است (هارد و زالما، ۱۹۹۰). روایی آن نیز از طریق ارتباط قوی با ناستواری خود<sup>۹</sup> ( $r=0/34$ )، اضطراب اجتماعی ( $r=0/37$ ) و مسند بیرونی مهارگری ( $r=0/21$ ) تأیید شده است (هارد، راکرت و کالچر،

1. inconsideration and lack of imitation  
2. risk taking  
3. stupefaction

4. irregularity  
5. lack of preservation and planning  
6. Personal Feelings Questionnaire

7. shame  
8. guilt  
9. self-instability

دو گروه بررسی شد. به بیان دیگر افرادی که در سطوح E5 و بالاتر بودند، در سطح بالای تحول من و افرادی که پایین‌تر از این مرحله بودند، در سطح پایین تحول من در نظر گرفته شدند.

### یافته‌ها

آلفای کرونیخ آزمون  $0/781$  به دست آمد. برای بررسی همسانی درونی، همبستگی اسپیرمن میان ماده‌های آزمون با یکدیگر محاسبه شد. بیشتر این همبستگی‌ها، جز چند مورد، معنادار بود و در دامنه‌ای از  $0/118$  تا  $0/326$  ( $P < 0/05$ ) قرار داشت. همبستگی هر ماده با نمره کل و آلفای آزمون در صورت حذف هر ماده در جدول ۲ آمده است.

از همبستگی اسپیرمن برای بررسی میزان همبستگی ماده‌ها با یکدیگر استفاده شد. از تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش واریماکس برای بررسی ساختار عاملی و از آزمون  $t$  برای بررسی روایی تفکیکی استفاده شد. قابل توضیح این‌که برای بررسی روایی تفکیکی آزمون و به بیان دیگر توانایی آزمون در تفکیک افراد دارای سطح بالا و پایین تحول من در متغیرهای مورد نظر، باید نمونه به دو گروه با سطح تحول بالا و پایین تقسیم می‌شد. مطابق با بررسی‌های انجام‌شده، انتظار می‌رود بزرگسالان سطح متوسط و دانشجویان در سطوح هم‌نوایی و خودآگاهی باشند (ویلبر، رونسویل و سوگارمن، ۱۹۸۲)، بنابراین کل نمونه موجود بر این اساس به دو گروه تحول من بالا و پایین تقسیم و تفاوت

جدول ۲

ضرایب همبستگی میان ماده‌ها با یکدیگر و با نمره کل

ماده	همبستگی ماده با نمره کل آزمون	آلفای کرونیخ آزمون در صورت حذف ماده	ماده	همبستگی ماده با نمره کل آزمون	آلفای کرونیخ آزمون در صورت حذف ماده
۱	۰/۳۰۷	۰/۷۶۵	۱۰	۰/۲۸۵	۰/۷۶۷
۲	۰/۳۳۲	۰/۷۶۳	۱۱	۰/۳۸۴	۰/۷۶۰
۳	۰/۳۴۴	۰/۷۶۲	۱۲	۰/۳۵۹	۰/۷۶۱
۴	۰/۳۸۱	۰/۷۵۹	۱۳	۰/۲۷۲	۰/۷۶۷
۵	۰/۴۰۶	۰/۷۵۷	۱۴	۰/۳۰۳	۰/۷۶۵
۶	۰/۴۰۱	۰/۷۵۸	۱۵	۰/۳۷۵	۰/۷۶۰
۷	۰/۴۳۸	۰/۷۵۵	۱۶	۰/۵۳۹	۰/۷۵۵
۸	۰/۲۴۱	۰/۷۷۰	۱۷	۰/۳۰۸	۰/۷۶۵
۹	۰/۳۳۴	۰/۷۶۳	۱۸	۰/۳۸۱	۰/۷۵۹

$r = -0/190$  و نمره عامل اول (مسامحه و مخاطره‌جویی) ( $r = -0/239$ ,  $P < 0/01$ ) همبستگی منفی معنادار دارد. در مردان میان سطح تحول من با نمره عامل‌های نخست (سهل‌انگاری و عدم تقید) ( $r = -0/164$ ,  $P < 0/05$ ) و چهارم (تخديرطلبی) ( $r = -0/187$ ,  $P < 0/05$ ) همبستگی منفی و معنادار وجود داشت.

همبستگی بین دو بار سنجش، برای بررسی اعتبار بازآزمایی،  $0/876$  ( $P < 0/001$ ) به دست آمد. برای بررسی روایی واگرای آزمون، همبستگی با خودتخریب‌گری مزمین بررسی شد. یافته‌ها نشان داد در زنان سطح تحول من با نمره کل خودتخریب‌گری ( $P < 0/05$ )

جدول ۳

یافته‌های آزمون  $t$  مستقل برای مقایسه دو گروه با تحول من بالا و پایین

احساس گناه	تحول من بالا		تحول من پایین		آزمون لوین		t-Student		
	میان	SD	میان	SD	F	P	df	P	
احساس گناه	۱/۸۳۴	(۰/۸۸۸)	۲/۰۸۵	(۰/۹۲۱)	۰/۱۳۵	۰/۷۱۴	۲/۱۳۸	۲۶۶	۰/۰۳۳
سهل‌انگاری و عدم تقید (عامل ۱ مردان)	۱/۱۰۶	(۱/۴۲۱)	۰/۶۴۱	(۱/۰۱۷)	۸/۷۳۶	۰/۰۰۴	۲/۰۰۷	۷۷/۲۸۲	۰/۰۴۸
	N=۱۰۷		N=۱۶۱						
	N=۴۹		N=۸۳						

احساس گناه و خودتخریب‌گری بررسی شد. یافته‌ها نشان داد دو گروه در میزان احساس گناه و سهل‌انگاری و عدم تقید با

برای بررسی روایی تفکیکی، گروه نمونه بر اساس نمره سطح تحول من به دو گروه تقسیم و تفاوت دو گروه در

یکدیگر تفاوت معنادار دارند (جدول ۳). گفتنی است در مورد سهل‌انگاری و عدم تقید، به دلیل معناداری آزمون لوین، نتایج آزمون  $t$  با فرض نابرابری واریانس‌ها گزارش شد.

نتایج تحلیل عامل اکتشافی با روش مؤلفه اصلی و چرخش واریماکس نشان‌دهنده ساختار تک‌بعدی آزمون بود. در این تحلیل پس از هفت بار چرخش، ۱۸ عامل به دست آمد که کل واریانس متغیر مفروض را تبیین می‌کرد. تلاش برای ایجاد ساختارهای دو، سه، چهار و پنج عاملی نیز به نتیجه مطلوبی نینجامید.

### بحث

این پژوهش با هدف تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی ۱۸ ماده‌ای آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتون انجام شد. یافته‌ها نشان‌دهنده همسانی درونی بالای آزمون بود؛ همبستگی میان ماده‌ها با یکدیگر در بیشتر موارد معنادار و میزان آلفای کرونباخ نیز مناسب بود. لووینگر (۱۹۷۹) ضریب آلفای نسخه ۳۶ ماده‌ای را  $0/85$  گزارش کرده است. در پژوهش دیگری (گو، ۲۰۰۵) آلفای کرونباخ نسخه ۱۸ ماده‌ای  $0/82$  و  $0/76$  و آلفای کرونباخ نسخه ۳۶ ماده‌ای،  $0/94$  و  $0/87$  گزارش شده است. در پژوهش‌های انجام‌شده با نسخه فارسی آزمون، میزان آلفای کرونباخ گزارش نشده بود. همان‌طور که مشاهده می‌شود میان آلفای به‌دست‌آمده در نسخه فارسی در این پژوهش و دیگر پژوهش‌ها همخوانی وجود دارد.

اعتبار بازآزمایی دوهفته‌ای  $0/876$  به دست آمد. مرور پیشینه پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد همبستگی بازآزمایی در دامنه‌ای از  $0/92$  تا  $0/14$  گزارش شده است. به نظر نمی‌رسد مدت زمان میان دوبار بازآزمایی، عامل مهمی در این گستردگی دامنه باشد، بلکه نوع نمونه‌ها (از نظر سن بررسی) مهم‌تر است؛ در اواخر دوران دبیرستان یا اوایل دانشگاه است که تغییرات سطح تحول من تقریباً ثابت می‌شود و شواهدی از افزایش سطح تحول من در پایان سال دوم و چهارم دانشگاه وجود ندارد. میان نمره‌های آزمون و بازآزمون در بیشتر موارد همبستگی دیده شده و در نیمی از موارد همبستگی معنادار بوده است. در نمونه‌هایی که در دوره مورد

اندازه‌گیری، افزایش سطح تحول من اتفاق نیفتاده است، اعتبار بازآزمایی معنادار گزارش شده است. در برخی از نمونه‌ها هم افزایش سطح تحول من و هم اعتبار بازآزمایی نشان داده شده است، این امر در بررسی‌های طولی، تا حدی نشان‌دهنده زنجیره‌ای بودن مراحل نیز هست. همچنین اعتبار بازآزمایی در بررسی‌های طولی، حتی طی دوره‌های ۶ ساله، مثبت معنادار گزارش شده است (لووینگر، ۱۹۷۹).

همبستگی منفی معنادار سطح تحول من با نمره کل خودتخریب‌گری و نمره مسامحه و خطرپذیری در زنان و همبستگی منفی معنادار سطح تحول من با نمره سهل‌انگاری و عدم تقید و تخدیرطلبی نشان‌دهنده روایی واگرای آزمون است. در ارتباط معکوس سطح تحول من و خودتخریب‌گری، یافته‌های پژوهشی نشان داد که نشانه‌های روان‌شناختی خاصی در سطوح خاصی از تحول من دیده می‌شود. برای مثال افرادی که نمره پایین در تحول من دارند، بیشتر احتمال دارد تهاجم<sup>۱</sup>، تصادف یا کوشش‌های خودکشی داشته باشند. همچنین سطوح پایین‌تر تحول من، با سطوح بالاتر نشانه‌های روان‌شناختی و آسیب‌شناختی شخصیت (براونینگ<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶ نقل از گو، ۲۰۰۵) و تاریخچه الکلیسم و مصرف سنگین مواد مخدر مرتبط است (ویلبر و دیگران، ۱۹۸۲). همسو با این یافته‌ها، این پژوهش نیز نشان داد در مردان با سطوح پایین‌تر تحول من، امکان استفاده از الکل و سیگار بیشتر است. همچنین پژوهشی نشان داد که تحول‌یافتگی من در زندانیان غیرسیاسی، در دو بعد نیرومندی من و حساسیت هیجانی از غیرزندانان پایین‌تر است. البته در این پژوهش تحول‌یافتگی من با چهار عامل از پرسشنامه ۱۶ عاملی کتل سنجیده شد (هادی‌نژاد، ۱۳۸۶). روایی همگرا و واگرای مقیاس تحول من در بررسی‌های مختلف تأیید شده است (توربرت و لیون-تارانداخ، ۲۰۰۹).

برای بررسی روایی همگرا و واگرای یک آزمون باید بتوان مفهومی نزدیک یا متضاد با سازه‌ای پیدا کرد که آزمون قصد اندازه‌گیری آن را دارد. مفهوم تحول من را نمی‌توان به‌سادگی با رفتارهای منفرد یا ویژگی‌های خاص منطبق دانست. بنابراین بررسی روایی همگرای آزمون کمی مشکل است (لووینگر، ۱۹۷۹). مطابق یافته‌های پژوهشی، این آزمون با طرز تفکر



سطوح بالاتر است، در مقایسه با سطوح پایین‌تر، در تکالیف پایداری بیشتری نشان می‌دهند و در مقابل فشار همسالان مستقل‌ترند. همچنین در سطوح تحولی بالاتر، میزان سرکوبی کمتر است (وایلنت<sup>۳</sup> و مک‌کالاگ<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷ نقل از گو، ۲۰۰۵). در این پژوهش پایداری بیشتر در تکالیف در سطوح بالاتر تحول من (لار و مینینگ، ۱۹۷۸) و سرکوبی بیشتر در سطوح پایین تحول من (وایلنت و مک‌کالاگ، ۱۹۸۷ نقل از گو، ۲۰۰۵) همسو با سهل‌انگاری بالاتر در افراد با تحول من پایین بود. این یافته را به لحاظ نظری نیز می‌توان تبیین کرد. به نظر می‌رسد افراد در سطوح ناپخته‌تر تحول من برای رفع مشکلات بیشتر به نوشیدن الکل روی می‌آورند، در حالی که در سطح بالاتر تحول من، در رویایی با مشکلات، به جای فرار از آن‌ها (با نوشیدن الکل و فراموشی موقتی)، به حل مؤثر آن‌ها اقدام می‌کنند.

نتایج بررسی ساختار عاملی نشان‌دهنده ساختار تک‌بعدی نسخه فارسی آزمون است. این یافته با نتایج دیگر بررسی‌ها همسوست؛ لووینگر و وسلر<sup>۵</sup> (۱۹۷۰ نقل از لووینگر، ۱۹۷۹) با تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه اصلی نشان دادند آزمون تک‌بعدی است. این تک‌بعدی بودن، مبنای نظری نیز دارد؛ ساخت همه ماده‌های آزمون بر اساس مفهومی یگانه انجام شده است (لووینگر، ۱۹۷۹).

نمونه این پژوهش فقط از دانشجویان دانشگاه تهران گردآوری شد. محدودیت نمونه از نظر نوع دانشگاه، میزان تحصیلات و سن، ممکن است تعمیم یافته‌ها را با مشکل مواجه سازد. بررسی همبستگی مقیاس تحول من با مقیاس معماهای اخلاقی کلبرگ، به عنوان سازه‌ای که به نظر می‌رسد ارتباط زیادی با سطح تحول من دارد، برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود. همچنین از آنجا که نمره‌گذاری مقیاس تحول من به صورت فرافکن انجام می‌شود، بررسی روایی بین ارزیابان نیز در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که نسخه فارسی مقیاس سطح تحول من ویژگی‌های روان‌سنجی قابل قبولی برای کاربرد در پژوهش‌ها دارد. با توجه به بنیادین بودن این سازه، یافته‌های حاصل از به‌کارگیری این آزمون را می‌توان به‌ویژه در افزایش

خانوادگی استبدادی<sup>۱</sup> همبستگی معکوس معنادار ۰/۳۲- و با نمره تحول من به‌دست‌آمده از مصاحبه بالینی، همبستگی مثبت معنادار ۰/۴۸ داشت (لووینگر، ۱۹۷۹). کاکس<sup>۲</sup> (۱۹۷۴) نقل از لووینگر، ۱۹۷۹) رابطه میان رفتارهای سالم و سطح تحول من را روی ۷۹ پسر کلاس هشتم ارزیابی کرد؛ رابطه معناداری میان سطح تحول من و شرکت در فعالیت‌های تحصیلی و ورزشی وجود داشت، ولی میان سطح تحول من و شرکت در مدرسه یا فعالیت‌های خدمات عمومی رابطه‌ای وجود نداشت. درکل لووینگر (۱۹۷۹) در جمع‌بندی بررسی‌های مربوط به روایی همگرا و واگرای آزمون، این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که در بررسی همبستگی مقیاس تحول من با دیگر مقیاس‌ها، برخی بررسی‌ها نتوانسته‌اند نتایج مورد انتظار را نشان دهند و برخی دیگر نتایج مورد انتظار را نشان داده‌اند، ولی با مقداری کمتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد؛ البته در هیچ‌یک نتایج غیرقابل انتظار از نظر جهت همبستگی مشاهده نشده است (لووینگر، ۱۹۷۹). این امر در این پژوهش نیز مشهود است، به این شکل که نمره تحول من با برخی از ماده‌های خودتخریب‌گری، و نه با همه آن‌ها، همبستگی منفی داشت. بی‌قاعدگی در تعریف انتظارات نظری (لووینگر، ۱۹۷۹) ممکن است دلیل این نتایج گوناگون باشد؛ تحول من سازه‌ای بسیار بنیادین است و بسیاری از مفاهیم سنجیده‌شده با دیگر مقیاس‌ها را پوشش می‌دهد، بدون اینکه بتوان آن را به هیچ‌یک از آن‌ها تقلیل داد. بنابراین برای بررسی روایی همگرا یا واگرای مقیاسی که چنین سازه بنیادینی را اندازه‌گیری می‌کند، به سازه‌ای به همان نسبت بنیادین نیاز است.

توانایی آزمون در تفکیک دو گروه (با سطح تحول من بالا و پایین) در میزان احساس گناه و سهل‌انگاری و عدم تقید، نشان‌دهنده روایی تفکیکی آزمون بود. به بیان دیگر افرادی با سطح تحول من بالا، میزان احساس گناه کمتر و مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند. لار و مینینگ (۱۹۷۸) نشان دادند آزمون تکمیل جمله دانشگاه واشینگتون بین زنان با سطح تحول بالا و پایین باعث تمایز در مهرپروری، وجدان، صداقت، تحمل، حساسیت بین‌فردی و تفکر روان‌شناختی می‌شود. همچنین زنان و مردانی که تحول من در آن‌ها در

1. authoritarian family ideology

2. Cox, N.

3. Vaillant, G. E.

4. McCullough, L.

5. Wessler, R.

شرم و گناه در سه گروه افراد سالم، بیماران اتوایمیون و غیراتوایمیون. *مجله علوم رفتاری*، ۱(۱)، ۹-۱.

هادی‌نژاد، ح. (۱۳۸۶). تحول‌یافتگی من و اختلال‌های شخصیت: مقایسه دو گروه زندانی و غیرزندان. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: *روان‌شناسان ایرانی*، ۴ (۱۴)، ۱۸۷-۱۷۷.

Bursik, K., & Martin, T. A. (2006). Ego development and adolescent academic achievement. *Journal of Research on Adolescence*, 16(1), 1-18.

Ezinga, M. A. (2008). *Psychosocial development and the development of problem behaviour during adolescence*. Doctoral Thesis, Department of Developmental and Educational Psychology, Faculty of Social and Behavioural Sciences, Leiden University.

Gow, M. K. (2005). *Levels of ego development and reasoning about counseling in adults*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree master of arts. Dalhousie University.

Harder, D. H., & Zalma, A. (1990). Two promising shame and guilt scales: a construct validity comparison. *Journal of Personality Assessment*, 55(3, 4), 729-745.

Harder, D. W., Rockart, L., & Cutler, L. (1993). Additional validity evidence for the Harder personal feelings questionnaire-2 (PFQ2): A measure of shame and guilt proneness. *Journal of Clinical Psychology*, 49(3), 345-348.

Hartman, D., & Zimberoff, D. (2008). Higher stages of human development. *Journal of Heart-Centered Therapies*, 11(2), 3-95.

Hy, L. X., & Loevinger, J. (1996). *Measuring ego development* (2<sup>nd</sup> ed.). Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum.

Kelley, K., Byrne, D., Przybyla, D., Eberly, C., Eberly,

ضریب تبیین مدل‌های روان‌شناختی و ردیابی اثرات درمانی ناشی از روش‌های مختلف درمانی به کار برد. همچنین از آنجا که تحول من با حالت‌های مختلف هشیاری و سلامت روانی و به طور معکوس با آسیب‌شناسی روانی مرتبط است (هارتمن و زیمبراف، ۲۰۰۸)، پیدا کردن راهی برای سنجش آن و سپس کمک به افزایش آن با استفاده از روان‌درمان‌گری‌های مختلف باعث افزایش بهزیستی جامعه می‌شود.

## سپاسگزاری

از همه دانشجویان عزیزی که با صبر و بردباری به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند و همچنین دوستانی که امکان نمونه‌برداری را فراهم آوردند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

## منابع

ارسلان‌ده، م. (۱۳۹۲). *تحول‌یافتگی ایگو و مکانیزم‌های دفاعی در افراد زودانگیخته*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

بشارت، م. ع، اسدی، م. م. و تولائی، ف. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای استحکام من در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و راهبردهای نظم‌دهی شناختی هیجان. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۲ (۴۶)، ۱۱۹-۱۰۷.

تقی‌یاره، ف. (۱۳۸۲). *بررسی ارتباط سطح تحول‌یافتگی من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهیدبهشتی.

موسوی، ا. س.، آزادفلاح، پ.، فراهانی، ح. ا. و دهقانی، م. (۱۳۹۴). روایی، اعتبار و ساختار عاملی مقیاس خودتخریب‌گری مزمن. *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۱ (۲)، ۱۲۶-۱۲۳.

موسوی، ا. س. (۱۳۸۴). *بررسی احساس گناه، تمایلات خودانتقادی و خودشناسی در بیماران اتوایمیون، غیراتوایمیون و افراد سالم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

موسوی، ا. س.، قربانی، ن. و قاضی‌طباطبایی، م. (۱۳۹۳). مقایسه خودتخریب‌گری روان‌شناختی بر پایه خودشناسی، خودانتقادی و

- measurement. *Journal of Personality Assessment*, 77(3), 541-567.
- Torbert, W. R. (2014). Brief Comparison of Five Developmental Measures: the GLP, the MAP, the LDP, the SOI, and the WUSCT. Primarily in terms of pragmatic and transformational validity and efficacy. *Principal, Action Inquiry Associates, Boston College*.
- Torbert, W. R., & Livne-Tarandach, R. (2009). Reliability and validity tests of the Harthill leadership development profile in the context of developmental action inquiry theory, practice and method. *Integral Review*, 5(2), 133-151.
- Vidanović, S., & Anđelković, V. (2006). Ego development and the anxiety of gifted adolescents. *Philosophy, Sociology and Psychology*, 5(1), 87-102.
- Wilber, C., Rounsaville, B., & Sugarman, A. (1982). Ego development in opiate addicts: An application of Loevinger's stage model. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 170, 202-208.
- B., Greendlinger, V., Wan, C., & Goesky, J. (1985). Chronic self-destructiveness: Conceptualization, measurement, and initial validation of the construct. *Motivation and Emotion*, 19(2), 135-151.
- Leonetti, S. M. (1989). *Adults as students: Ego development and the influence of the academic environment*. Doctor of Education in Educational Leadership (Ed.D.). Department of Educational Leadership and Policy, Portland State University.
- Loevinger, J. (1976). *Ego development: Conceptions and theories*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Loevinger, J. (1979). Construct validity of the sentence completion test of ego development. *Applied Psychological Measurement*, 3(3), 281-311.
- Lorr, M., & Manning, T. T. (1978). Measurement of ego development by sentence completion and personality test. *Journal of Clinical Psychology*, 34(2), 354-361.
- Manners, J., & Durkin, K. (2001). A critical review of the validity of ego development theory and its